SJPP
Shenakht Journal of Psychology & Psychiatry
No.3/2026;13(3):358-367
DOI: 10.22034/13.3.360
https://shenakht.muk.ac.ir/

Original Article

Relationship Between Parenting Stress and Adolescents' Behavioral Problems: The Mediating Role of Neuroticism

Khosro Rashid[1*], Mohammadtaha Javadifar[2], Kambiz Karimi[3]

1. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran
2. PhD Candidate in Educational Psychology, Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Article History:

Received: March 22, 2026
Revised: July 3, 2026
Accepted: July 8, 2026

***Corresponding author:** Khosro Rashid, Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

E-mail: khosrorashid@basu.ac.ir

Abstract

Background and Aims: The purpose of this study was to investigate the relationship between parenting stress and adolescents' behavioral problems, considering the mediating role of neuroticism.

Materials and Methods: This applied research study employed a descriptive-correlational design using structural equation modeling. The statistical population consisted of first-year high school students in Hamadan, Iran, and their parents during the 2025–2026 academic year. A total of 512 participants were selected using cluster sampling through schools. Data were collected using the Parental Educational Anxiety Questionnaire (2022), the Neuroticism Scale of the NEO Personality Inventory (1989), and Goodman's Strengths and Difficulties Questionnaire (1997). Data were analyzed using descriptive statistics, Pearson's correlation coefficient, and structural equation modeling utilizing SPSS software (version 27) and LISREL.

Results: The results showed that parental stress had a significant positive effect on adolescents' behavioral problems and that neuroticism significantly mediated the relationship between parental stress and adolescents' behavioral problems ($p < 0.001$). The model fit indices also indicated a good fit between the conceptual model and the empirical data.

Conclusion: Based on the findings, neuroticism plays a significant mediating role in the relationship between parental stress and adolescents' behavioral problems. These findings highlight the importance of developing psychological interventions for parents and adolescents to reduce parental stress, strengthen emotional self-regulation skills, and improve adolescents' ability to manage negative emotions.

Keywords: Adolescent neuroticism, Adolescents' behavioral problems, Parental stress, Personality traits, Structural equation modeling

Please cite this article as follows: Rashid Kh, Javadifar M, Karimi K. Relationship Between Parenting Stress and Adolescents' Behavioral Problems: The Mediating Role of Neuroticism. SJPP. 2026;13(3):358-367.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

Copyright © 2026 The Author(s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. All rights reserved by the authors. This is an open-access article that may be read, downloaded, copied, distributed, printed, searched, and linked to the full text for lawful purposes, provided that the original authors and source are properly acknowledged.

SJPP
دوماهنامه علمی پژوهشی روانشناسی و روانپزشکی شناخت
دوره ۱۳، شماره ۳، مرداد و شهریور ۱۴۰۵، صفحات: ۳۶۷-۳۵۸
DOI: 10.22034/13.3.358
https://sjku.muk.ac.ir

مقاله پژوهشی

رابطهٔ میان استرس والدگری و مشکلات رفتاری نوجوانان: نقش میانجی نورُزگرایی نوجوانان

خسرو رشید[1]*، محمدطاها جوادی فر[2]، کامبیز کریمی[3]

۱. دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۳. استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدفِ بررسی رابطهٔ بین استرس والدگری و مشکلات رفتاری نوجوانان با درنظرگرفتن نقش میانجی نورُزگرایی نوجوانان انجام شد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش ازنظر هدف کاربردی و ازنظر ماهیت، توصیفی از نوع هم‌بستگی با کمک مدل معادلات ساختاری بود. جامعهٔ آماری شامل دانش‌آموزان دورهٔ اول متوسطهٔ شهر همدان و پدران و مادران آنان در سال تحصیلی ۱۴۰۴–۱۴۰۳ بود. حجم نمونه ۵۱۲ تن بود و نمونه‌ها پس از انتخاب مدارس نمونه به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای، ازطریق کانال مدرسه به پرسش‌نامه‌های پژوهش پاسخ دادند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل پرسش‌نامهٔ اضطراب آموزشی والدین سان (۲۰۲۲)، مقیاس نورُزگرایی فرم کوتاه نئو (۱۹۸۹) و پرسش‌نامهٔ مشکلات رفتاری گودمن (۱۹۹۷) بودند. تحلیل داده‌ها با آمار توصیفی، هم‌بستگی پیرسون، و مدل معادلات ساختاری با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۷ و Lisrel انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که تأثیر استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان مثبت و معنی‌دار بود و نورُزگرایی نوجوانان در رابطهٔ میان استرس والدگری و مشکلات رفتاری آنان نقش میانجی معناداری دارد (p< ۰/۰۰۱)، و شاخص‌های برازش مدل نشان‌دهندهٔ تناسب مطلوب مدل مفهومی با داده‌های تجربی بودند.

نتیجه‌گیری: برپایهٔ یافته‌ها، نورُزگرایی نوجوانان به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، نقش میانجی معناداری در اثرات استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان دارد. این نتایج نشان‌دهندهٔ اهمیت طراحی مداخلات روان‌شناختی هم‌زمان برای والدین و نوجوانان، به‌منظور کاهش استرس والدگری و تقویت مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی و مدیریت هیجانات منفی در نوجوانان است.

واژگان کلیدی: استرس والدگری، مشکلات رفتاری نوجوانان، نورُزگرایی نوجوانان، ویژگی‌های شخصیتی، مدل معادلات ساختاری

تاریخچه مقاله:
دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۰۲
ویرایش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۲
پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی کردستان محفوظ است.

***نویسنده مسئول:** خسرو رشید، دانشیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، دانشکدهٔ علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

ایمیل: khosrorashid@basu.ac.ir

استناد: رشید، خسرو؛ جوادی فر، محمدطاها؛ کریمی، کامبیز. رابطهٔ میان استرس والدگری و مشکلات رفتاری نوجوانان: نقش میانجی نورُزگرایی نوجوانان. دوماهنامه علمی پژوهشی روانشناسی و روانپزشکی شناخت، مرداد و شهریور ۱۴۰۵؛۱۳(۳):۳۵۸-۳۶۷.

مقدمه

مشکل رفتاری، گونه‌ای رفتار آسیب‌زاست که بیشتر وقت‌ها در آن هنجارهای اجتماعی زیر پا گذاشته می‌شود، اما چندان مشکلی در کارکردهای شخصی فرد ایجاد نمی‌کند. مشکلات رفتاری[1]، آن دسته از رفتارهای نابهنجار به‌حساب می‌آیند که ضمن عدم تناسب با سن، شدید، مزمن یا مداوم باشند. این اختلالات طیف وسیعی از مشکلات مانند گریه و زاری شدید و دائمی، توجه‌طلبی، نافرمانی،

[1] Behavioral problems

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

اعمال پرخاشگرانه، دزدی، دروغ‌گویی و بزهکاری را شامل می‌شوند و می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی کودکان و نوجوانان اثر منفی بگذارند (ویلیامز و هیل[1]، ۲۰۱۲).

رفتار مشکل ساز نوجوانان عمدتاً به‌صورت رفتارهای مشکل ساز درونی مانند اضطراب، افسردگی و کناره‌گیری و رفتارهای مشکل‌ساز بیرونی مانند پرخاشگری و نقض انضباط آشکار می‌شوند. بیشتر وقت‌ها آن‌ها به یک سری از عوارض جانبی مانند طرد همسالان، تأخیر در رشد اجتماعی-شناختی، افزایش مشکلات تحصیلی و مشکلات در تنظیم عاطفی مربوط می‌شوند (ون، رن و لی[2]،۲۰۲۳). مطالعات گذشته نشان داده‌اند که مشکلات رفتاری فرزندان رابطه‌ای دوطرفه با استرس والدگری[3] دارد (چیانگ[4]، ۲۰۲۴).

استرس والدگری، زمانی اتفاق می‌افتد که خواسته‌های مرتبط با فرزندپروری بیشتر از توانایی‌ها و منابع والدین باشد (پارکس وسوییتینگ[5]، ۲۰۱۸). بنابر مدل اولیه استرس والدگری آبیدین[6] (۱۹۹۲)، میزان استرس والدگری بیشتر به ویژگی‌های فرزند (مثل خلق‌وخو یا بیش فعالی او) همچون صفات شخصیتی، میزان افسردگی، نوع دلبستگی، احساس شایستگی، و عوامل زمینه‌ای مانند کیفیت رابطهٔ زن و شوهر، حمایت اجتماعی موجود، و محدودیت‌های ناشی از نقش والدین نسبت داده شده است. والدین نوجوانانی که مشکلات رفتاری کمتری داشتند، در مقایسه با والدین نوجوانان با رفتارهای مشکل سازتر، سطوح کمتری از استرس را تجربه می‌کنند (جیانگ، وانگ و یانگ[7]، ۲۰۲۲). به‌باور آبیدین (۱۹۹۲)، این استرس زمانی پدیدار می‌شود که والد دریابد آنچه به‌عنوان منابع شخصی و اجتماعی در اختیار اوست (یا همان توان برآمده از دانش، مهارت‌های والدگری و حمایت‌های اجتماعی) برای رویارویی با مقتضیات کار فرزندپروری کافی نیست (صادق زاده و همکاران، ۱۴۰۲). با توجه به اینکه استرس والدگری جنبه‌های مختلف تعاملات والدین و فرزندان را منعکس می‌کند، می‌تواند به‌وضوح نشان‌دهندهٔ اختلالات در یک خانواده باشد و مشکلات رفتاری را در نوجوانان پیش‌بینی کند (آنتونی و همکاران[8]،۲۰۰۵؛ مکلر و همکاران[9]؛ ۲۰۱۵، تافا و همکاران[10]؛ ۲۰۱۸؛ تسوتسی و همکاران[11]، ۲۰۱۹). در همین راستا، پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند بین استرس والدگری و ویژگی‌های شخصیتی ارتباط وجود دارد (فانگ[12] و همکاران، ۲۰۲۴).

افراد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت هنگامی که با استرس مواجه می‌شوند، ممکن است مکانیزم‌های مقابله‌ای متفاوتی را نشان دهند که منجر به نتایج توسعه‌ای متنوعی می‌شود. حوزهٔ روان‌شناسی نظریه‌های متعددی دربارهٔ ویژگی‌های شخصیتی ارائه داده است و مدل پنج‌عاملی شخصیت یکی از مدل‌های پذیرفته‌شده و تأثیرگذار است (بارانچوک[13]، ۲۰۱۹). نورُزگرایی یکی از ابعاد اساسی ویژگی‌های شخصیتی پنج‌عاملی است که توانایی فرد در متعادل‌کردن احساسات منفی و حفظ ثبات عاطفی را اندازه‌گیری می‌کند (مک آدامز و پالس[14]، ۲۰۰۶).

نورُزگرایی نشان‌دهندهٔ بی‌ثباتی عاطفی فرد است و به‌طور نزدیکی با واکنش‌های عاطفی مرتبط است. براساس نظریهٔ زیست‌شناختی شخصیت آیسنک، نورُزگرایی مربوط به واکنش‌پذیری روانی‌زیستی بالاتر هنگام برخورد با ناامیدی و افزایش تحریک سمپاتیک است. بنابراین نورُزگرایی بیشتر با آسیب‌پذیری بالاتر دربرابر استرس، روش‌های ناکارآمد برای مقابله با ناامیدی، و ناتوانی در کنترل تمایلات همراه است. علاوه‌براین، مدل عصبی-روان‌شناختی نشان می‌دهد که هرچه سطح نورُزگرایی بالاتر باشد، منابع روانی فرد کمتر خواهد بود. در نتیجه، عملکرد خودتنظیمی فرد محدود شده و گرایش می‌یابد که تحریکات را به‌عنوان تهدیدهایی برای خود دانسته و به‌دنبال آن رفتارهای تهاجمی از خود نشان دهد، بدون اینکه به پیامدهای کارش بیندیشد. شواهد تجربی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند (دونگ، لیو، جیانگ و وی[15]،۲۰۲۲).

نورُزگرایی به‌طور عملی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی تعریف می‌شود که نفوذی بر عملکرد روزمره ندارد، اما با یک حالت عاطفی منفی مزمن یا ناپایداری عاطفی، و افزایش تحریک‌پذیری، خشم، غم، اضطراب، نگرانی، عدم خودآگاهی و آسیب‌پذیری دربرابر استرس‌های محیطی مشخص می‌شود. علاوه‌براین، افرادی که نورُزگرایی بالایی دارند، محیط را ناامن و نگران‌کننده تجربه می‌کنند و اغلب خودانتقادگر هستند، نسبت به انتقاد دیگران و تنبیه حساس هستند، احساس بی‌کفایتی شخصی می‌کنند و تجربهٔ عاطفی منفی دارند. نورُزگرایی با علائم خلقی و اضطراب در گروه‌های مطالعات بالینی و غیر بالینی، همچنین در مطالعات مقطعی مرتبط است. به‌طور کلی، افراد با نورُزگرایی بالا تمایل دارند احساسات بسیار منفی، مانند اضطراب، خشم و تحمل کمتر برای ناامیدی را تجربه کنند (جیرکران، وسوپانرجیت، تونویراچایساکول و مائس [16]، ۲۰۲۳).

علاوه‌براین، تحقیقات علوم اعصاب شناختی نشان داده است که ناامیدی و احساسات منفی می‌تواند بخش‌هایی از آمیگدال

[1] Williams & Hill
[2] Wen, Ren & Li.
[3] Parenting Stress
[4] Chiang
[5] Parkes & Sweeting
[6] Abidin
[7] Jiang, Wang & Yang
[8] Anthony, et al
[9] Mackler, et al.
[10] Tafà, et al
[11] Tsotsi, et al.
[12] Fang
[13] Baranczuk
[14] McAdams & Pals
[15] Dong, Liu, Jiang & Wei
[16] Jirakran, Vasupanrajit, Tunvirachaisakul & Maes

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

و چین‌خوردگی قدامی را فعال کند که منجر به افت بازدارندگی فرد می‌شود و به‌طور نزدیک با رفتار تهاجمی و مشکلات رفتاری مرتبط است. بنابراین، نوجوانان با نورُزگرایی بالا احتمال بیشتری دارند که رفتار تهاجمی و مشکلات رفتاری را نشان دهند (دونگ و همکاران، ۲۰۲۲). تحقیق سلز و مارتین[1] (۲۰۰۵) نشان داد که نوجوانان با نورُزگریی بالا، فراوانی بیشتری از مشکلات روزمره را گزارش کردند، هیجانات منفی شدیدتری را تجربه کردند، و واکنش‌های نیرومندتری به مسائل منفی مکرر نشان دادند.

باوجود رشد چشمگیر پژوهش‌ها در سال‌های اخیر، مرور مطالعات نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها به بررسی رابطهٔ مستقیم میان استرس والدگری و مشکلات رفتاری نوجوانان (هوسوکاوا و کاتورا، ۲۰۲۵[2])، یا نقش سبک‌های فرزندپروری و سایر عوامل خانوادگی را در پیش‌بینی مشکلات رفتاری پرداخته‌اند (یانگ و چن[3]، ۲۰۲۵). ازسوی‌دیگر، برخی مطالعات جدید نیز نشان داده‌اند که نورُزگرایی می‌تواند در ارتباط میان تجارب نامطلوب دوران کودکی و مشکلات رفتاری نوجوانان نقش میانجی ایفا کند (سان[4] و همکاران، ۲۰۲۵). اما این مطالعات عمدتاً بر تجارب آسیب‌زای اولیه متمرکز بوده‌اند و نه بر استرس والدگری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل فشارزای خانوادگی. همچنین پژوهش‌های جدید، نقش سازوکارهای میانجی مختلف را در ارتباط بین متغیرهای خانوادگی و مشکلات رفتاری نوجوانان بررسی کرده‌اند، اما نورُزگرایی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی پایدار، کمتر در قالب یک مدل ساختاری در رابطهٔ میان استرس والدگری و مشکلات رفتاری نوجوانان مورد آزمون قرار گرفته است. افزون‌براین، بررسی این مدل در جامعه نوجوانان ایرانی نیز با کمبود شواهد تجربی مواجه است. بنابراین، همچنان خلأ پژوهشی مهمی در تبیین سازوکار روان‌شناختی انتقال اثر استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان وجود دارد که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدفِ آزمون یک مدل ساختاری، به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا نورُزگرایی نوجوانان می‌تواند سازوکار روان‌شناختی انتقال اثر استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان باشد یا خیر. تبیین این سازوکار می‌تواند علاوه‌بر توسعهٔ ادبیات نظری، شواهد کاربردی ارزشمندی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه و خانواده‌محور در حوزهٔ سلامت روان نوجوانان فراهم آورد.

روش کار

این پژوهش ازنظر هدف کاربردی و ازنظر ماهیت، توصیفی از نوع هم‌بستگی با کمک مدل معادلات ساختاری است. در این پژوهش سه متغیر مورد مطالعه قرار گرفته است که عبارت اند از: استرس والدگری (متغیر پیش بین)، نورُزگرایی (متغیر میانجی) و مشکلات رفتاری نوجوانان (متغیر ملاک).

جامعهٔ آماری این پژوهش کلیهٔ دانش‌آموزان دورهٔ اول متوسطهٔ شهر همدان به‌همراه والدینشان بودند که در سال تحصیلیِ ۱۴۰۴-۱۴۰۳ مشغول به تحصیل بوده‌اند. برای تعیین حجم نمونهٔ پژوهش حاضر از روش نسبت نمونه به پارامتر آزاد استفاده شد. براساس این روش، برای هر پارامتر آزاد مدل حداقل ۵ تا ۱۰ نمونه در نظر گرفته می‌شود (کلاین[5]، ۲۰۱۶). با توجه به تعداد پارامترهای آزاد مدل، حجم نمونهٔ مناسب بین ۳۴۰ تا ۶۸۰ نفر تخمین زده شد که برای دستیابی به قدرت آماری کافی و دقت در برآورد ضرایب مسیر مناسب است. در این پژوهش ۵۱۲ نفر از نوجوانان (دختر یا پسر) به‌همراه پدر یا مادرشان به‌صورت خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل: دانش‌آموزان دختر یا پسر که دارای سن ۱۳ تا ۱۶ سال بودند و در یکی از پایه‌های مقطع متوسطهٔ اول مشغول به تحصیل بودند و سابقهٔ تکرار پایه نداشتند. همچنین پدر یا مادرشان که در کنار هم زندگی می‌کردند و جدا نشده بودند و دارای سواد خواندن و نوشتن بودند و با رضایت آگاهانه به تکمیل پرسش‌نامه‌ها پرداختند. معیار خروج از پژوهش شامل: تکمیل ناقص پرسش‌نامه‌ها، الگوی پاسخ‌دهی نامعتبر، عدم تمایل به ارائه پرسش‌نامه‌ها، و خروج آن‌ها از پژوهش بود.

جهت اجرای پژوهش پس از دریافت مجوزهای لازم از ادارهٔ کل آموزش و پرورش استان همدان، پس از انتخاب مدارس به‌صورت خوشه‌ای تصادفی، لینک پرسش‌نامه‌ها در گروه مدیران مدارس شهر همدان قرار گرفت. سپس مدیران لینک پرسش‌نامه‌ها را در گروه مدرسهٔ خود قرار دادند. اصول اخلاقی پژوهش رعایت شده و به آزمودنی‌ها اطمینان داده شد که پاسخ به این پرسش‌نامه‌ها صرفاً جنبهٔ پژوهشی دارد و مربوط به ارزیابی و یا گزینش آن‌ها در دورهٔ خاصی نیست. در نهایت، یکی از والدین به‌همراه فرزندش به‌صورت داوطلبانه پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند. باید یادآور شد که دانش‌آموزان و پدر یا مادرشان هرکدام به پرسش‌نامه‌های مربوط به خودشان پاسخ دادند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسش‌نامهٔ استرس والدگری سان[6] (۲۰۲۲)، پرسش‌نامهٔ پنج‌عاملی شخصیتی نئو[7] (فرم کوتاه و فقط سؤالات بخش نورُزگرایی)، و مشکلات رفتاری گودمن[8] (۱۹۹۷) استفاده شد. در نهایت، تحلیل توصیفی داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و مدل‌سازی با نرم‌افزار lisrel انجام شد.

[1] Suls & Martin
[2] Hosokawa & Katura
[3] Yang & Chen
[4] Sun
[5] Kline
[6] Sun
[7] NEO-FFI
[8] Goodman

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

ابزارها

پرسش‌نامهٔ اضطراب آموزشی والدین سان[1]: این پرسش‌نامه توسط سان و همکاران در سال ۲۰۲۲ جهت بررسی اضطراب درک‌شدهٔ والدین دارای دانش‌آموزان دبستانی و متوسطه ساخته شده است. این ابزار شامل ۲۵ گویه بوده که میزان استرس والدگری را در قالب ۵ مؤلفهٔ نگرش به یادگیری (گویه‌های ۱ تا ۶)، عملکرد مدرسه (گویه‌های ۷ تا ۱۳)، توان آموزشی (گویه‌های ۱۴ تا ۱۸)، برآیند آموزشی (گویه‌های ۱۹ تا ۲۲) و سرمایهٔ خانوادگی (گویه‌های ۲۳ تا ۲۵) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. شیوهٔ نمره‌گذاری این ابزار براساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (از کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) است و کدگذاری این مقیاس به‌صورت مستقیم و بدون کدگذاری معکوس صورت می‌گیرد. بازهٔ نمرات این مقیاس حداقل ۲۵ و حداکثر ۱۲۵ است. سان و همکاران (۲۰۲۲) روایی این ابزار را با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، روایی همگرا و واگرا بررسی کردند و نتایج نشان داد پرسش‌نامه از روایی سازهٔ مطلوبی برخوردار است. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۹۵ و ضریب هم‌بستگی بازآزمایی برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۱ گزارش شد که بیانگر پایایی مطلوب ابزار است.در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه ۰/۹۳ به‌دست آمد.

پرسش‌نامهٔ پنج‌عاملی شخصیت[2](فرم کوتاه): این پرسش‌نامه توسط کاستا و مک‌کری[3] در سال ۱۹۸۹ ساخته شد که دارای ۵ مؤلفه و هر مؤلفه دارای ۱۲ گویه و در مجموع ۶۰ گویه است. ازآنجاکه تنها نورُزگرایی به‌کار برده شد، ۱۲ گویه مرتبط با آن اجرا شد. برای نمره‌گذاری این پرسش‌نامه برای هر عبارت یک مقیاس درجه‌بندی پنج‌رتبه‌ای وجود دارد که دارای ارزش صفر تا ۴ و از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم است. گویه‌های ۱، ۵، ۷، ۱۰ در این مقیاس به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. بنابراین حداقل نمره در این مؤلفه برابر صفر و حداکثر برابر ۴۸ است.

مک‌کرا و کاستا (۲۰۰۴)، روایی این پرسش‌نامه را تأیید و پایایی بازآزمایی دو هفته‌ای مؤلفه‌های این پرسش‌نامه را از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند.

در ایران هم عطاری[4] و همکاران (۱۳۸۵) روایی آن را تأیید کرده و پایایی مؤلفه‌ها را بین ۰/۸۲ تا ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه (مؤلفهٔ نورُزگرایی)، ۰/۷۸ به‌دست آمد که نشان‌دهندهٔ پایایی قابل‌قبول این پرسش‌نامه است.

پرسش‌نامهٔ سنجش نقاط قوت و ضعف[5]: این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۷ توسط گودمن[6] در انگلیس و برمبنای ملاک‌های تشخیصی ICD-10 ساخته شده است و برای سنین ۳ تا ۱۶سال به‌کار می‌رود. دارای پنج خرده‌مقیاس نشانه‌های هیجانی، مشکلات سلوک، بیش‌فعالی-کمبود توجه، مشکلات ارتباطی با همسالان و رفتارهای جامعه‌پسند (نقاط قوت کودک) است. شیوهٔ نمره‌گذاری این پرسش‌نامه براساس مقیاس ۳ درجه‌ای لیکرت است. درست نیست (۰)، تا حدی درست است (۱)، کاملاً درست است (۲). برای محاسبه امتیاز کلی پرسش‌نامه، نمرهٔ همهٔ سؤالات پرسش‌نامه با هم جمع می‌شود و دامنهٔ امتیاز این پرسش‌نامه بین ۰ تا ۵۰ است.

در مطالعهٔ فلیتلیچ – بیلک[7] (۲۰۰۴) علاوه‌بر تأیید روایی محتوایی، هم‌بستگی اجرای فرم والدین پرسش‌نامهٔ SDQ با میانگین فاصلهٔ زمانی ۱۹ روز، برابر با ۰/۷۹ بود. در ایران هم شهریور و همکاران (۲۰۰۹) همسانی درونی و روایی هم‌زمان و پایایی این پرسش‌نامه را خوب ارزیابی کرده‌اند. در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد که خوب ارزیابی می‌شود.

نتایج

از ۵۱۲ پدر و مادر شهر همدان که به‌همراه فرزند نوجوانشان در پژوهش حاضر شرکت کردند، ۳۷۸ نفر (۷۳/۸ ٪) مادر و ۱۳۴ نفر (۲۶/۲ ٪) پدر، و همچنین از میان نوجوانان، ۱۹۴ نفر (۳۷/۹ ٪) دختر و ۳۱۸ نفر (۶۲/۱ ٪) پسر بودند. جدول ۱ میانگین، انحراف‌معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف‌معیار و ماتریس هم‌بستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف‌معیار	۱	۲	۳
۱ استرس والدگری	۷۲/۸۹	۲۱/۳۶	۱		
۲ نورُزگرایی نوجوانان	۳۲/۸۸	۹/۱۱	**۰/۲۷	۱	
۳ مشکلات رفتاری نوجوانان	۱۸/۸۶	۲/۲۵	**۰/۴۵	**۰/۴۶	۱

** p<۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بالاترین ضریب هم‌بستگی میان نورُزگرایی و مشکلات رفتاری به مقدار ۰/۴۶ و کمترین ضریب هم‌بستگی میان متغیرهای استرس والدگری با نورُزگرایی به میزان ۰/۲۷ است و تمام متغیرها (استرس والدگری

[1] Measurement questionnaire of parents' anxiety about their children's education (MQPAE)
[2] NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI)
[3] Costa & McCrae
[4] Attari
[5] Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ)
[6] Goodman
[7] Fleitlich-Bilyk

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

با نورُزگرایی نوجوانان و مشکلات رفتاری نوجوانان ، نورُزگرایی نوجوانان با مشکلات رفتاری نوجوانان) با یکدیگر در سطح (p<۰/۰۱) ارتباط مثبت معنی‌داری دارند.

نرمال بودن یکی از پیش فرض‌های اساسی مدل معادلات ساختاری است. بررسی نرمال بودن داده‌ها با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی نشان داد که مقادیر هر دو شاخص در محدودهٔ ۱+ و ۱- قرار دارند (چولگی و کشیدگی استرس والدگری به‌ترتیب، ۰/۰۵- و ۰/۷۸-، نورُزگرایی برابر ۰/۴۲ و ۰/۲۸، مشکلات رفتاری برابر ۰/۴۶ و ۰/۰۶ است که نشانگر توزیع نرمال داده‌ها است). این نتیجه‌گیری با یافته‌های کیم (۲۰۱۳) همسو است که بیان می‌کند که اگر چولگی و کشیدگی داده‌ها در محدودهٔ ۱+ و ۱- قرار داشته باشند می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

پس از بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و تأیید نرمال بودن داده‌ها، اکنون با استفاده از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار لیزرل به بررسی فرضیهٔ پژوهشی پرداخته شده است. الگویابی معادلات ساختاری تکنیکی برای تحلیل داده‌ها است که به‌منظور ارزیابی رابطهٔ بین دو متغیرهای آشکار (متغیر های قابل‌اندازه‌گیری و قابل‌مشاهده) و متغیرهای پنهان به‌کار می‌رود. استفاده از این روش تحلیل به نسبت دیگر تکنیک‌ها این امکان را فراهم می‌آورد که مدل‌های نظری پیچیده در یک فضای واحد آزمون گردد. در نمودار ۱ و ۲ تلاش شده است تا با استفاده از این مزیت الگویابی ساختاری، روابط میان متغیرهای پژوهشی بررسی شود. در این مدل ۳ متغیر پژوهشی و روابط میان آن‌ها به‌تصویر کشیده شده است.

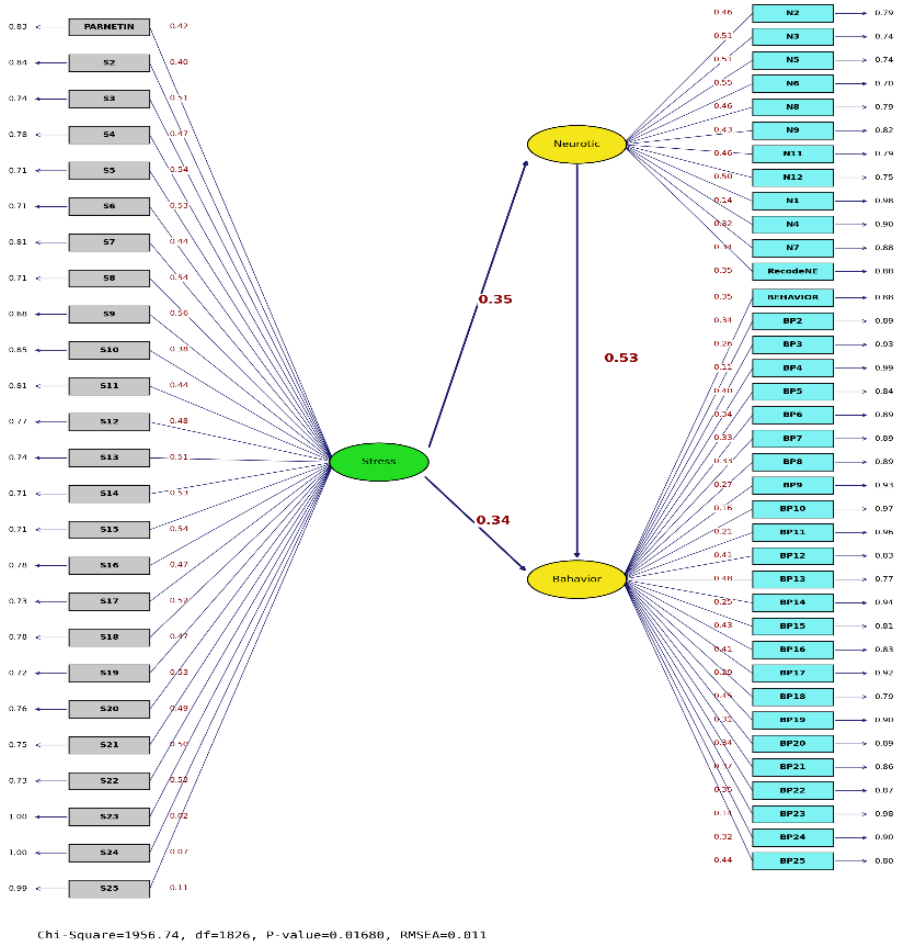

نمودار ۱. بررسی ضرایب مسیر استانداردشده

در نمودار ۱ روابط میان متغیرهای پژوهشی (استرس والدگری به‌عنوان متغیر پیش بین، مشکلات رفتاری نوجوانان به‌عنوان متغیر ملاک، و نورُزگرایی نوجوانان به‌عنوان متغیر میانجی) ازطریق مدل معادلات ساختاری به‌تصویر کشیده شده است.

همچنین نمودار ۲ روابط میان متغیرها را در حالت معناداری نشان می‌دهد.

در جدول ۲ ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم متغیرها به‌همراه آمارهٔ t و سطح معنی‌داری آن‌ها آورده شده است.

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

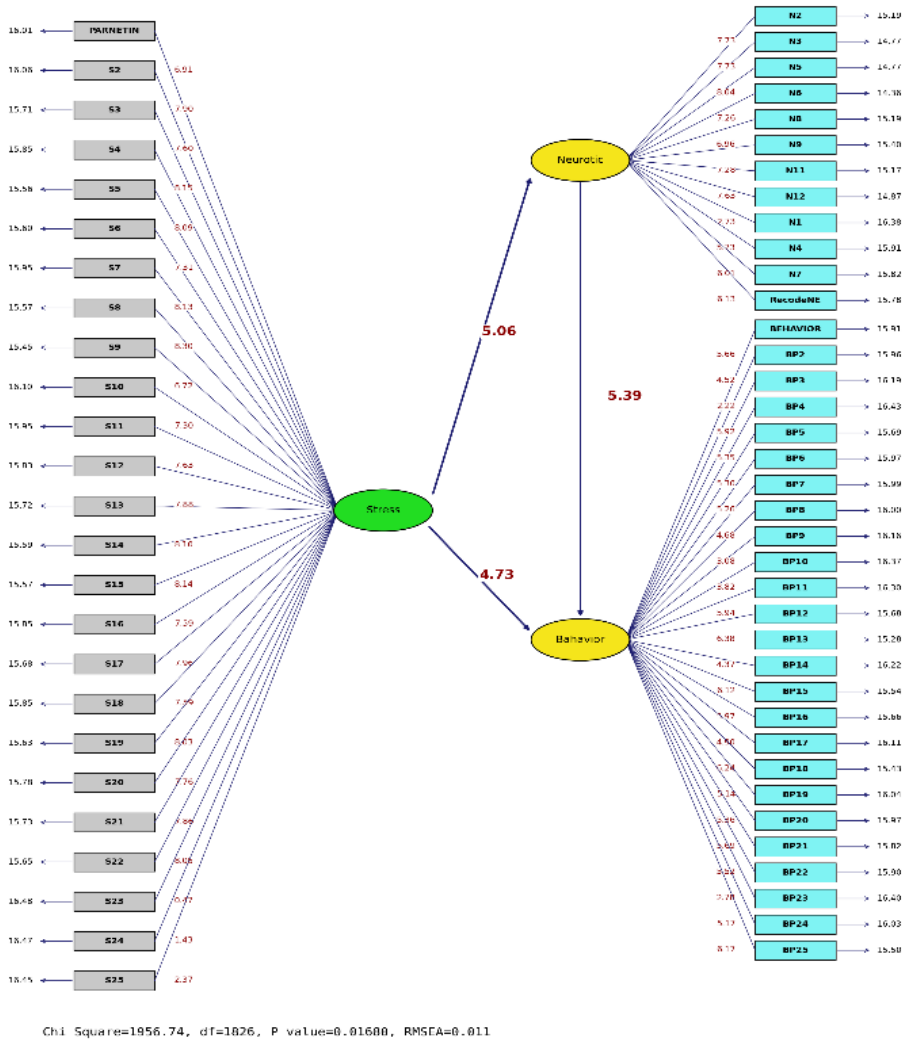

نمودار ۲. مدل ساختاری پژوهش در حالت معنی‌داری

جدول ۲. اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

	متغیرها	ضرایب	آمارهٔ t	سطح معناداری
اثرات مستقیم	استرس والدگری * نورُزگرایی نوجوانان	۰/۳۶	۵/۰۶	۰/۰۱
	استرس والدگری * مشکلات رفتاری نوجوانان	۰/۳۴	۴/۷۳	۰/۰۱
	نورُزگرایی نوجوانان * مشکلات رفتاری نوجوانان	۰/۵۳	۵/۳۹	۰/۰۱
اثر غیرمستقیم	استرس والدگری * نورُزگرایی نوجوانان * مشکلات رفتاری نوجوانان	۰/۱۹	۳/۶۹	۰/۰۱

نتایج مدل در نمودارهای ۱ و ۲ و جدول ۲ ضرایب مسیر استانداردشده بین متغیرها را نشان می‌دهد. براساس نتایج این نمودارها ضرایب مسیر استانداردشدهٔ استرس والدگری بر نورُزگرایی نوجوانان برابر ۰/۳۶ و آمارهٔ t معادل ۵/۰۶، استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان ۰/۳۴ و آمارهٔ t معادل ۴/۷۳ و نورُزگرایی نوجوانان بر مشکلات رفتاری نوجوانان ۰/۵۳ و آمارهٔ t برابر ۵/۳۹ به‌دست آمده که همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند (مقادیر t بالای ۱/۹۶ معنادار هستند). اثر غیرمستقیم استرس والدگری بر مشکلات رفتاری ازطریق نورُزگرایی برابر با ۰/۱۹ و مقدار t برابر ۳/۶۹ بود که با توجه به آزمون سوبل در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

در ضمن، اثر کل استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم برابر ۰/۵۳ بود. به این ترتیب، حدود ۳۶ درصد از اثر کل استرس والدگری بر مشکلات رفتاری نوجوانان ازطریق میانجی‌گری نورُزگرایی نوجوانان منتقل می‌شود. این نتایج تأیید می‌کنند که استرس والدگری با افزایش

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

میزان نورُزگرایی نوجوانان می‌تواند منجر به افزایش معنادار مشکلات رفتاری نوجوانان شود.

برای بررسی مناسب بودن برازش شاخص‌های مدل از معیارهای مختلفی استفاده شد که نتایج آن در جدول شمارهٔ ۳ آمده است.

جدول ۳. مشخصه‌های نیکویی برازندگی مدل برازش‌یافته

نسبت مجذور خی-دو به درجهٔ آزادی	شاخص نیکویی برازش (GFI)	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	شاخص برازش استاندارد (NFI)	ریشهٔ میانگین مجذورات باقی مانده‌ها (RMSEA)
۱/۰۷	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشخص شده است، نسبت مجذور خی به درجهٔ آزادی فاقد معیاری ثابت برای مدل قابل‌قبول است. شاخص نکویی برازش، شاخص برازش تطبیقی و شاخص برازش استاندارد برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند، مساوی یا بزرگ‌تر از ۰/۹ است. همچنین مقدار ریشهٔ میانگین مجذورات باقی‌مانده‌ها برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی دارند مساوی یا کمتر از ۰/۰۵ است. با توجه به شاخص‌های نکویی برازندگی گزارش‌شده در جدول ۲، برازش مدل در سطح خیلی خوبی قرار دارد. در کل، روابط مفهومی پژوهش با داده‌های تجربی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج برازش مدل در نمودارهای ۱ و ۲ نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی با داده‌های تجربی برازش مناسبی دارد.

بحث

برپایهٔ یافته‌های ارائه‌شده رابطهٔ استرس والدگری با مشکلات رفتاری نوجوانان مثبت و معنادار است. این یافته با یافته‌های چیانگ (۲۰۲۴)، تافا و همکاران (۲۰۱۸)، تسوتسی و همکاران (۲۰۱۹)، و مکلر و همکاران (۲۰۱۵) همخوان است. با توجه به اینکه از دیدگاه آبیدین استرس والدگری تحت‌تأثیر ویژگی‌های نوجوان، ویژگی‌های پدر و مادر، و شرایط خانوادگی قرار دارد و افزایش استرس والدگری به‌تدریج کیفیت رابطه والد–نوجوان را کاهش می‌دهد، پدران و مادرانی که استرس بالایی را تجربه می‌کنند، بیشتر دچار خستگی روانی و تحریک‌پذیری می‌شوند و به‌دنبال آن کمتر می‌توانند با آرامش، ثبات و حمایت عاطفی با نوجوان خود رفتار کنند (آبیدین، ۱۹۹۲). این وضعیت باعث افزایش کشمکش‌های خانوادگی و بی‌ثباتی در شیوه‌های تربیتی می‌شود و محیطی ناایمن برای رشد هیجانی نوجوان پدید می‌آورد. در چنین فضایی، توانایی نوجوان در مهار هیجان‌ها، مدیریت رفتار و حل مساله پایین آمده و شانس بروز رفتارهای مشکل‌ساز بیشتر می‌شود (ون، ۲۰۲۲). ازسوی‌دیگر، از دیدگاه رفتاری، با افت کیفیت ارتباط پدر و مادر با فرزند، شانس ارزیابی رفتاری و راهنمایی فرزند از سوی پدر و مادر کاهش پیدا می‌کند و فرزندان نیز کمتر به فرمان بزرگ‌ترهایی که ارتباط مناسبی با آنان ندارند، تن می‌دهند.

در کنار اینها، یافته‌ها نشان داد که رابطهٔ استرس والدگری با نورُزگرایی نوجوانان مثبت و معنادار است. این یافته با یافته‌های فانگ و همکاران (۲۰۲۴) و بارانچوک (۲۰۱۹) همسو است. هنگامی که پدر و مادر استرس‌های مختلفی را در زمینه‌های گوناگون تجربه می‌کنند، ملول و درمانده می‌شوند و احتمالاً از روش‌های ناکارآمد برای کنترل استرس و هیجانات خود استفاده می‌کنند و شاید رفتارهایی از خود نشان دهند که به خود یا دیگران نیز آسیب بزند. طبق نظریهٔ یادگیری مشاهده‌ای بندورا، وقتی نوجوان در خانواده، این عدم کنترل هیجانات و روش‌های ناکارآمد برای مقابله با استرس و مشکلات را از الگوهای خود در خانواده، یعنی پدر و مادر، مشاهده می‌کند آن‌ها را یادگرفته و وقتی خود نیز در چنین شرایطی قرار بگیرد مانند پدر و مادر عمل کرده و مانند آن‌ها از روش‌های ناکارآمد برای کنترل هیجانات خود استفاده می‌کند. از طرفی، وقتی نوجوانان هم در مواجهه با مشکلات مختلف و فشارهای روانی، رفتارهای اضطرابی و ناکارآمد از خود نشان می‌دهند و در مهار هیجانات منفی خود ناکام می‌شوند چون این رفتارها همان رفتارهایی است که معمولاً توسط پدر و مادر هم صورت گرفته، پس این‌گونه رفتارها از سوی پدر و مادر تقویت می‌شود و باعث می‌شود که نوجوانان بیشتر این رفتارهای ناسازگار را انجام دهند و رفته‌رفته باعث شکل‌گیری شخصیت نورُزگرا در نوجوانان می‌شود.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد رابطهٔ نورُزگرایی نوجوانان با مشکلات رفتاری نوجوانان مثبت و معنی‌دار است. نتایج این پژوهش با یافته‌های جیرکران و همکاراتن (۲۰۲۳) و سلز و مارتین (۲۰۰۵) هم‌راستا است. نورُزگرایی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، با ناپایداری هیجانی، نگرانی مداوم و شدت بیشتر تجربه هیجان‌های منفی شناخته می‌شود. نوجوانانی که سطح بالاتری از نورُزگرایی دارند، معمولاً محرک‌های روزمره را تهدیدآمیزتر تفسیر می‌کنند، آستانهٔ تحمل پایین‌تری دارند و در مدیریت هیجان‌هایی مانند خشم و اضطراب با دشواری بیشتری روبه‌رو هستند (دونگ و همکاران، ۲۰۲۲). این الگوی هیجانی سبب می‌شود کنترل رفتار سخت شود و نوجوان در موقعیت‌های تنش‌زا نتوانند هیجانات خود را کنترل کنند و با واکنش‌های عجولانه باعث انجام دادن رفتارهای مشکل‌ساز شوند. بنابراین، نورُزگرایی از راه افزایش آسیب‌پذیری هیجانی، کاهش خودکنترلی و تضعیف سازگاری روان‌شناختی، نقش مهمی

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

در شکل‌گیری و تداوم مشکلات رفتاری نوجوانان ایفا می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد و برای آزمون فرضیه پژوهش، رابطهٔ میان استرس والدگری با مشکلات رفتاری نوجوانان با نقش میانجی‌گری نورُزگرایی نوجوانان بررسی شد که یافته‌ها این فرضیه را تأیید می‌کنند. در مجموع، برازش مناسب مدل نشان داد که الگوی پیشنهادی پژوهش با داده‌ها و مبانی نظری همخوان است. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند استرس والدگری با ویژگی‌های شخصیتی، به‌ویژه نورُزگرایی، ارتباط دارد (فانگ و همکاران، ۲۰۲۴) و ازسوی‌دیگر، پژوهش‌هایی رابطه نورُزگرایی را با مشکلات رفتاری مرتبط دانسته‌اند (جیرکران و همکاران، ۲۰۲۳؛ و سلز و مارتین، ۲۰۰۵). برپایهٔ مدل استرس والدگری آبیدین (۱۹۹۲) و دیدگاه‌های زیستی–شخصیتی آیسنک، می‌توان گفت استرس والدگری با تضعیف فضای هیجانی خانواده و کاهش منابع روانی نوجوان، زمینه ناپایداری عاطفی و افزایش واکنش‌پذیری هیجانی را فراهم می‌کند، شرایطی که باعث افزایش ویژگی نورُزگرایی نوجوانان می‌شود. سپس این ناپایداری هیجانی، از راه کاهش خودکنترلی، افزایش حساسیت به ناکامی و کاهش کنترل و بازداری رفتاری، احتمال بروز مشکلات رفتاری را بالا می‌برد. قرار گرفتن نورُزگرایی در مسیر میانجی‌گری نشان می‌دهد که بخشی از اثرات استرس والدگری بر مشکلات رفتاری ازطریق شکل‌دهی به ساختار هیجانی نوجوان عمل می‌کند. این یافته با مدل‌های نوین عصب‌روان‌شناختی که تعامل محیط و شخصیت را مورد توجه قرار می‌دهند، همسو است (دونگ و همکاران، ۲۰۲۲) و اهمیت بررسی هم‌زمان عوامل خانوادگی و ویژگی‌های فردی نوجوانان را برجسته می‌کند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد استرس والدگری علاوه‌بر اثر مستقیم بر مشکلات رفتاری نوجوانان، ازطریق افزایش نورُزگرایی نیز به‌طور غیرمستقیم این مشکلات را تشدید می‌کند. بنابراین، نورُزگرایی یکی از سازوکارهای روان‌شناختی مهم در انتقال اثر استرس والدگری به مشکلات رفتاری نوجوانان به شمار می‌رود. این یافته بر ضرورت توجه هم‌زمان به کاهش استرس والدگری و ارتقای سلامت هیجانی و ویژگی‌های شخصیتی نوجوانان در برنامه‌های پیشگیرانه و مداخلات خانواده‌محور تأکید می‌کند. بااین‌حال، یافته‌های پژوهش باید با درنظرگرفتن محدودیت‌هایی مانند استفاده از ابزارهای خودگزارشی، طرح مقطعی و نمونه‌گیری از یک شهر تفسیر شوند. ازاین‌رو، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از طرح‌های طولی، نمونه‌های متنوع‌تر و بررسی سایر متغیرهای میانجی و تعدیل‌گر، سازوکارهای مؤثر بر مشکلات رفتاری نوجوانان را با دقت بیشتری بررسی کنند.

تشکر و قدردانی

از کلیهٔ شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ گونه تضاد منافعی ندارد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با مجوز ادارهٔ کل آموزش و پرورش استان همدان به‌شمارهٔ ۵۵۰۰/۲۸۲۱۶/۶۰۲ انجام شده است.

حمایت مالی

این پژوهش هیچ گونه حمایت مالی دریافت نکرده است.

REFERENCES

1. Abidin RR. Parenting stress index-short form. Odessa, FL: Psychological Assessment Resources; 1990. Link
2. Abidin RR. The determinants of parenting behavior. J Clin Child Psychol. 1992;21(4):407-412. Link
3. Anthony LG, Anthony BJ, Glanville DN, Naiman DQ, Waanders C, Shaffer S. The relationships between parenting stress, parenting behaviour and preschoolers' social competence and behaviour problems in the classroom. Infant Child Dev. 2005;14:133-154. DOI: 10.1002/ICD.385
4. Attari Y, Amanollahi Fard A, Mehrabizadeh Honarmand M. Investigating the relationship between personality traits and individual-family factors with marital satisfaction among employees of government offices in Ahvaz city. J Educ Sci Psychol. 2006;13(3):81-108. [In Persian]. Link
5. Baranczuk U. The five-factor model of personality and emotion regulation: a meta-analysis. Pers Individ Dif. 2019;139:217-227. DOI: 10.1016/J.PAID.2018.11.025
6. Chiang SC, Bai S. Bidirectional associations between parenting stress and child psychopathology: the moderating role of maternal affection. Dev Psychopathol. 2024;36(4):1810-1820. DOI: 10.1017/S0954579423001177
7. Costa PT, McCrae RR. NEO five-factor inventory (NEO-FFI). Odessa, FL: Psychological Assessment Resources; 1989. Link
8. Dong Y, Liu F, Jiang Y, Wei S. Neuroticism and aggressive behavior among left-behind children: the mediating roles of interpersonal sensitivity and bullying victimization. Int J Environ Res Public Health. 2022;19:11072. DOI: 10.3390/IJERPH19171107
9. Fang Y, Luo J, Boele M, et al. Parent, child, and situational factors associated with parenting stress: a systematic review. Eur Child Adolesc Psychiatry. 2024;33:1687-1705. DOI: 10.1007/S00787-022-02027-1
10. Fleitlich-Bilyk B. The prevalence of child psychiatric disorders in Southeast Brazil. J Am Acad Child Adolesc Psychiatry. 2004;43(6):727-734.
11. Goodman R, Meltzer H, Bailey. The strengths and difficulties questionnaire: a pilot study on the validity of the self-report version. Eur Child Adolesc Psychiatry. 1998:125-130. Link
12. Goodman R, Ford T, Simmons H, Gatward R, Meltzer H. Using the strengths and difficulties questionnaire (SDQ) to screen for child psychiatric disorders in a community sample. Br J Psychiatry. 2000;177:534-539. Link
13. Hosokawa R, Katura T. Association among parents' stress recovery experiences, parenting practices, and children's

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]

behavioral problems: a cross-sectional study. BMC Psychol. 2025;13:124. DOI: 10.1186/S40359-025-02453-1
14. Jiang Q, Wang D, Yang Z, Choi JK. Bidirectional relationships between parenting stress and child behavior problems in multi-stressed, single-mother families: a cross-lagged panel model. Fam Process. 2023;62(2):671-686. DOI: 10.1111/FAMP.12796
15. Jirakran K, Vasupanrajit A, Tunvirachaisakul C, Maes M. The effects of adverse childhood experiences on depression and suicidal behaviors are partially mediated by neuroticism: a subclinical manifestation of major depression. Front Psychiatry. 2023;14:1158036. DOI: 10.3389/FPSYT.2023.1158036
16. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. 4th ed. New York: Guilford Press; 2016. Link
17. Mackler JS, Kelleher RT, Shanahan L, Calkins SD, Keane SP, O'Brien M. Parenting stress, parental reactions, and externalizing behavior from ages 4 to 10. J Marriage Fam. 2015;77(2):388-406. DOI: 10.1111/JOMF.12163
18. McAdams DP, Pals JL. A new Big Five: fundamental principles for an integrative science of personality. Am Psychol. 2006;61:204-217. DOI: 10.1037/0003-066X.61.3.204
19. McCrae RR, Costa PT. A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. Pers Individ Dif. 2004;36:587-596. Link
20. Parkes A, Sweeting H. Direct, indirect, and buffering effects of support for mothers on children's socioemotional adjustment. J Fam Psychol. 2018;32(7):894-903. DOI: 10.1037/FAM0000438
21. Sadeghzadeh M, Abbasi M, Ghasemi N. Relationship of parenting stress and parental exhaustion: parenting stress intermediate role. Fam Res. 2023;19(3):501-518. DOI: 10.48308/JFR.19.3.501
22. Shahrivar Z, Tehrani-Doost M, Pakbaz B, Rezaie A, Ahmadi F. Normative data and psychometric properties of the parent and teacher versions of the strengths and difficulties questionnaire (SDQ) in an Iranian community sample. J Res Med Sci. 2009;14(2):69-77. Link
23. Suls J, Martin R. The daily life of the garden-variety neurotic: reactivity, stressor exposure, mood spillover, and maladaptive coping. J Pers. 2005;73:1485-1510. DOI: 10.1111/J.1467-6494.2005.00356.X
24. Sun J, Liu T, Gao Y, Li H, Chen Y, Diao H, et al. Questionnaire development on measuring parents' anxiety about their children's education: empirical evidence of parental perceived anxiety data for primary and secondary school students in China. Front Psychol. 2022;13:1018313. Link
25. Sun Z, Ding W, Li J, Xie R. Retrospective childhood emotional maltreatment and adolescent problem behaviors trajectories: the mediating roles of neuroticism and self-compassion. Child Youth Serv Rev. 2025. DOI: 10.1016/J.CHILDYOUTH.2025.108295
26. Tafà M, Cerniglia L, Cimino S, Ballarotto G, Marzilli E, Tambelli R. Predictive values of early parental loss and psychopathological risk for physical problems in early adolescents. Front Psychol. 2018;9:922. DOI: 10.3389/FPSYG.2018.00922
27. Tsotsi S, Broekman BFP, Shek LP, Tan KH, Chong YS, Chen H, et al. Maternal parenting stress, child exuberance, and preschoolers' behavior problems. Child Dev. 2019;90(1):136-146. DOI: 10.1111/CDEV.13180
28. Wen X, Ren J, Li X, et al. Parents' personality, parenting stress, and problem behaviors of children with special needs in China before and during the COVID-19 pandemic. Curr Psychol. 2023;42:27305-27316. DOI: 10.1007/S12144-022-03869-3
29. Williams J, Hill P. A handbook for the assessment of children's behaviours. New York: Wiley-Blackwell; 2012. Link
30. Xu Y, Farver JA, Zhang Z. Temperament, harsh and indulgent parenting, and Chinese children's proactive and reactive aggression. Child Dev. 2009;80(1):244-258. Link
31. Yang H, Chen Q. Associations among negative parenting styles, parenting stress, and children's problem behaviors: a three-year longitudinal study. Acta Psychol. 2025;260:105571. DOI: 10.1016/J.ACTPSY.2025.105571
32. Yang J, Mao Y, Niu Y, Wei D, Wang X, Qiu J. Individual differences in neuroticism personality trait in emotion regulation. J Affect Disord. 2020;265:468-474. DOI: 10.1016/J.JAD.2020.01.086

[Downloaded from shenakht.muk.ac.ir on 2026-10-31]